

## جحفه

عبدالهادی الفضلی  
ترجمه: مهدی پیشوایی



جحفه یکی از میقاتهای پنجگانه حج و عمره است. بررسی و مطالعه پیرامون این میقات از نظر جغرافیایی، تاریخی، فقهی، وضع کنونی و راههای منتهی به آن، در خور اهمیت است؛ به ویژه آن که جحفه یکی از دو میقاتی است که حجاج ایرانی در موسم حج از آنها محرم می‌شوند. آنچه در زیر می‌خوانید ترجمه مقاله‌ای است تحلیلی، جامع و ارزنده در این زمینه، به قلم آقای دکتر «عبدالهادی فضلی» که در نشریه «الموسم» شماره ۱۶، مورخ ۱۴۱۴ ه. ق. منتشر شده است.

### نگاهی گذرا به اهمیت جحفه

جحفه به عنوان یک منطقه جغرافیایی، به جهات یاد شده در زیر اهمیت و شهرت یافته است:

سمت حرمین شریفین، راهی به سوی بندر ینبع و راه چهارمی، از طریق ساحل، به سمت شام از آن منشعب می‌شود.

۳ - عامل مذهبی؛ زیرا جحفه یکی از میقاتهای پنجگانه است که پیامبر اسلام - ص - معین کرد تا حاجیان از آنجاها محرم شوند.

۱ - یکی از منازل هجرت پیامبر اسلام - ص - بوده است.

۲ - چهار راهی است که دو راه به

هاء - و هیعاًناً گرفته شده که به معنای انبساط و باز شدن است و یا از ماده هاع هیعاً - با کسر هاء - گرفته شده که به معنای وسعت و گسترش می باشد.

«خلیل» در این باره گفته است: «طریق مهّیح»؛ «راه باز» از ریشه مهّیح، وبلد مهّیح: شهر وسیع. چنانکه ابو ذؤیب گفته است:

فاحتشهن من سواء وماؤه

بئر وعانده طریق مهّیح<sup>۲</sup>

شاید این نامگذاری به مناسبت وسعت و گستردگی وادی جحفه بوده است؛ زیرا این وادی از انتهای وادی خرار، که غدیر آغاز می شود، تا ساحل دریا گسترده است. مهّیعه بعدها «الجحفه» نامیده شد - بی هیچ اختلاف نظری - با ضمّ جیم، سکون حاء مهمله وفتح فاء ضبط گردید و آخرش تاء گرد (نقطه دار) است.

در کتاب «صحاح»، جحفه بدون الف و لام آمده اما در بسیاری از کتابها با الف و لام است.

شاید این سرزمین به این جهت جحفه نامیده شده که می گویند در داستان برادران «عاد»، که لغت دانان آن را از کلبی، مورخ (م ۲۰۴ هـ). نقل کرده اند، سیلی آمد و آن را طعمه خود قرار داد و همه چیز را ربود

۴ - گاهی عامل چهارم نیز به این جهات افزوده می شود و آن عبارت از جنبه تاریخی آن است؛ زیرا جحفه پس از دورانی عمران و آبادی، دچار عقب ماندگی و خرابی گشته که توجه پژوهشگران را به خود جلب می کند تا پیرامون آن بررسی و مطالعه کنند. برای تبیین این جهات و جوانب، خوب است بحث را چنان تنظیم کنیم که موضوعات یاد شده در زیر نیز روشن شود:

- ۱ - نام قدیمی جحفه.
- ۲ - موقعیت جغرافیایی جحفه.
- ۳ - پیشینه تاریخی جحفه.
- ۴ - وضع کنونی جحفه.
- ۵ - دلیل فقهی میقات بودن آن.
- ۶ - راههای منتهی به جحفه.

### نام جحفه

جحفه در زمان قدیم به نام «مهّیعه» شناخته می شده است که بنا بر مشهور، به همین صورت؛ یعنی بافتح میم، سکون هاء وفتح یاء و عین ضبط شده است. اما به گفته «سیاغی»، «قاضی عیاض» از بعضی از علما نقل کرده که آن را با کسر هاء صحیح می دانستند. البته به نظر قاضی عیاض این قول غیر مشهور است.<sup>۱</sup>

«مهّیعه» از ماده هاع هیعاً - با فتح



و با خود برد.<sup>۳</sup>

چنین فرمود:

«اللَّهُمَّ حَبِّبِ الْيَنَّا الْمَدِينَةَ كَحَبِّبْنَا مَكَّةَ  
أَوْ أَسَدًا، وَصَحِّحْهَا، وَانْقُلْ حَمَاهَا إِلَى الْجَحْفَةِ».  
«خدایا مدینه را همچون مکه یا بیش  
از آن نزد ما محبوب گردان و آن را سالم کن و  
تب آن را به جحفه منتقل فرما.»<sup>۵</sup>

همچنین هر دو نام در پاره‌ای از  
احادیث اهل بیت آمده است؛ چنانکه در  
حدیث صحیحی که ابو ایوب خزار از امام  
صادق - ع - نقل کرده - و در آینده به آن  
استناد خواهیم کرد - حضرت فرمود:

«میقات اهل مغرب جحفه است که نام  
آن نزد ما مهیعه است.»<sup>۶</sup>

این هر دو نام همچنان در کتب  
اسلامی مورد استعمال بوده، اما بعدها نام  
مهیعه متروک گشت و امروز این سرزمین،  
چه در میان اهل آن منطقه و چه در میان  
دیگران، تنها به «جحفه» معروف است.

### موقعیت جغرافیایی جحفه

جغرافی دانان کهن برای مشخص  
ساختن موقعیت جغرافیایی هر محلی که در  
مسیر راه معروفی قرار دارد از دو شیوه  
استفاده می‌کردند:

۱ - نام دو شهری را که راه از یکی  
شروع و به دیگری ختم می‌شود ذکر

به گفته کلبی، وقتی که «عمالیق»  
(فرزندان عملیق بن لاوذ بن ارم)، «بنی  
عییل» (برادران عاد بن عوض بن ارم) را از  
یثرب بیرون کردند، آنان در جحفه فرود  
آمدند - که آنجا هنوز مهیعه نامیده می‌شد -  
و سیل ویرانگری جاری شد و آنها را ربود و  
با خود برد و از آن زمان جحفه نامیده شد.<sup>۴</sup>  
در برخی از روایات که از پیامبر  
اسلام - ص - نقل شده، با هر دو نام از آن  
یاد شده است؛ چنانکه هشام بن عروه از  
پدرش از طریق عایشه از آن حضرت نقل  
کرده است که چون هنگام هجرت و ورود  
آن بزرگوار به مدینه، این شهر آلوده به وبا  
بود، حضرت برای رفع این بیماری چنین  
دعا کرد: «اللَّهُمَّ انْقُلْ وَبَاءَ الْمَدِينَةِ إِلَى  
مَهْيَعَةَ»؛ «خدایا! وبای مدینه را به مهیعه  
منتقل کن.»

در روایت دیگری که بخاری - باز - از  
طریق هشام از پدرش از عایشه، درباره  
هجرت پیامبر نقل کرده آمده است:

عایشه می‌گوید: پس از آن که پیامبر  
اسلام به مدینه هجرت کرد، ابو بکر و بلال  
بیمار شدند و تب کردند، من نزد آن دو رفتم  
و احوال پرسى کردم، آنگاه به حضور پیامبر  
رسیدم و بیماری آنها را خبر دادم. پیامبر

نزدیک رابع، بین بدر و خلیص»، این گونه تعیین موقعیت را در مصباح المنیر فیومی و مجمع البحرین طریحی مشاهده می‌کنیم.<sup>۸</sup> در مورد این موقعیت، اگر توجه داشته باشیم که آبادیهایی که در این مسیر بین بدر و خلیص واقع شده، فقط «رابع» و «مستوره» است و قرینه‌ای را که این دو نفر ذکر کرده‌اند؛ یعنی نزدیکی جحفه به رابع - نه به مستوره - در نظر بگیریم، موقعیت آن بهتر روشن می‌گردد.

در تشخیص بدر و خلیص و رابع نیز می‌توانیم از روش قدیمی دیگر استفاده کنیم که عبارت است از پرسش از مردم منطقه. در این صورت موقعیت دقیق آن کاملاً روشن می‌گردد. تا اینجا نمونه‌هایی از سخنان دانشمندان را با استفاده از شیوه نخست بیان کردیم.

گروه دیگر، بر اساس شیوه دوم، مسافت آن را، به اختلاف، به چند صورت یاد شده در زیر مشخص کرده‌اند:

- سه منزل راه تا مکه.<sup>۹</sup>
- چهار منزل راه تا مکه.<sup>۱۰</sup>
- پنج منزل راه تا مکه.<sup>۱۱</sup>
- شش منزل راه تا مدینه.<sup>۱۲</sup>

البته اختلاف در فاصله جحفه تا مکه - از سه منزل تا پنج منزل - ناشی از

می‌کردند و سپس موقعیت محلی را که در آن راه واقع بود، می‌نوشتند؛ مثلاً نوشته‌اند: فلان محل بین مکه و مدینه قرار دارد، یا فلان آبادی بین کوفه و بصره واقع شده است.

۲ - مسافت آن محل تا یکی از دو شهر را - که در آغاز و انتهای راه قرار دارند - با مقیاس «منزل» (مرحله)، مشخص کرده‌اند؛ بدین صورت که: فلان محل تا مکه دو منزل فاصله دارد یا فلان نقطه تا کوفه سه منزل راه است.

فقه‌ها در مورد جحفه، از جغرافی دانان پیروی کرده‌اند و موقعیت جغرافیایی آن را با همین دو شیوه بیان کرده‌اند. اینک نمونه‌هایی از آن را می‌آوریم:

جوهری در صحاح و ابن منظور در لسان العرب در تعیین موقعیت جغرافیایی جحفه گفته‌اند: «جحفه محلی است بین مکه و مدینه».<sup>۷</sup>

بدیهی است چنین تعبیری، موقعیت جغرافیایی آن را به صورت دقیق مشخص نمی‌کند؛ زیرا بین مکه و مدینه سرزمینها و مناطق متعددی وجود دارد. در این میان برخی خواسته‌اند موقعیت آن را دقیقتر معرفی کنند، از این رو گفته‌اند: «جحفه منزل یا محلی است بین مکه و مدینه،

العظمی] گلیپاگانی است که در رساله «مناسک حج» خود فاصله بین مکه و جحفه را دویست و بیست کیلومتر - تقریباً - معرفی کرده است.

همچنین «آن مرحوم» گفته است: «مقیات اهل شام جحفه است که محلی است در شمال غربی مکه که بین آن دو، ۱۸۷ کیلومتر فاصله است.

اما مسافت جحفه تا مکه بر اساس نقشه راههای کشور عربستان که از طرف وزارت ارتباطات این کشور منتشر شده، به این کیفیت است: فاصله بین مکه تا فرودگاه رابغ ۱۸۰ کیلومتر، و از این فرودگاه تا جحفه ۹ کیلومتر که جمعاً بالغ بر ۱۸۹ کیلومتر می‌شود.

منازل و مناطقی که امروز در این راه از مکه تا جحفه واقع شده، بدین قرار است: - مکه - جموم - عسفان - خلیص - دوراهی ۱۳ - صعب - رابغ ۱۴ - جحفه.

چنانکه بعداً توضیح خواهیم داد، کسی که از سمت مکه حرکت می‌کند باید به سمت راست پیچیده، به جحفه برسد و کسی که از مدینه عازم جحفه است باید به سمت چپ بیچد.

اما کسانی که فاصله جحفه تا مدینه را شش منزل معرفی کرده‌اند، مقصودشان

اختلاف در مفهوم «منزل» و «راه» در سخنان آنها است؛ زیرا کسانی که فاصله آن را تا مکه سه منزل ذکر کرده‌اند مقصودشان از منزل، فاصله بین دو منزل، و مقصودشان از راه، راه هجرت است که منازل آن از مکه تا جحفه به این ترتیب است: مکه - عسفان - خیمه امّ معبد - جحفه. بنابراین فاصله بین مکه و عسفان یک منزل، فاصله بین عسفان و خیمه امّ معبد منزل دیگر و فاصله بین خیمه و جحفه نیز منزل سوم محسوب می‌شود.

کسی هم که این فاصله را پنج منزل دانسته مقصودش از منزل، مقدار مسافت یک منزل، و مقصودش از راه، جاده سلطانی است و منازل واقع در این راه، پس از مکه بدین قرار است: ۱ - جموم ۲ - عسفان ۳ - دف ۴ - طارف ۵ - جحفه.

همچنین کسانی که این فاصله را چهار منزل دانسته‌اند، مقصودشان از منزل، مسافت یک منزل، و مقصودشان از راه، جاده سلطانی است، منتها منزل طارف را حذف کرده‌اند زیرا این منزل در برخی از نقشه‌ها ذکر نشده است.

برخی از فقهای معاصر، در تعیین موقعیت جغرافیایی جحفه از مقیاس کیلومتر استفاده کرده‌اند؛ از آن جمله [مرحوم آیه‌الله

مهیعه نامیده می‌شد تا آن که بنو عبیل در آنجا سکونت گزیدند. عبیل، با لام بر وزن امیر است اما برخی آن را بنو عبید با دال، بر وزن زبیر ضبط کرده‌اند که درست نیست.

بنو عبیل برادران عاد بن عوص بن ارم بودند که به دست عمالیک فرزندان عملیک بن لاوذ بن ارم از یثرب بیرون شدند. پس از سکونت بنو عبیل در محل جحفه، سیل ویرانگری جاری شد و از این جهت آنجا «جحفه» نامیده شد. ابن درید این معنا را از ابن کلبی نقل کرده است<sup>۱۵</sup>

به گفته قلقشندی<sup>۱۶</sup>: «عمالیک قبیله‌ای از عرب «عاریه» و عرب «بائده»<sup>۱۷</sup> بودند. آنان از نسل عملیک (یا عملاق) بن لاوذ بن ارم بن سام بن نوح - ع - بودند و از نظر بلندی قامت و درشتی اندام، ضرب المثل بودند» طبری می‌نویسد: گروه‌هایی از این قوم در مناطق مختلف پراکنده شدند. مردم شرق واهالی عمان و بحرین و حجاز از نژاد آنان بودند. پادشاهان عراق و جباران شام و فراعنه مصر نیز از این قوم بودند.

«قلقشندی» به نقل از ابن کلبی، بنو عبیل را با دال ضبط کرده، می‌گوید: «بنو عبید قبیله‌ای از عرب «بائده» بودند. ابن کلبی گفته است: آنان از نسل عبید بن ارم بن سام بن نوح - ع - بودند. اما بعضی نسب

از «منزل» مسافت یک منزل، و مقصودشان از «راه» باز جاده سلطانی است. منازلی که در این راه قرار گرفته بدین ترتیب است: ۱ - فریش ۲ - مسیجید ۳ - سقیا ۴ - بئر مبیبریک ۵ - ابواء ۶ - جحفه.

از مجموع آنچه گفتیم و بر اساس آنچه در نقشه‌ها ثبت شده، چنین نتیجه می‌گیریم که:

۱ - جحفه در سمت شرق رابغ - اندکی متمایل به سمت جنوب - واقع شده است.

۲ - از یکی از دو راه یاد شده در زیر، که از جاده عمومی مدینه - مکه منشعب می‌شود، می‌توان به جحفه رسید:

الف - از مرکز شهر رابغ که ۲۲ کیلومتر راه است.

ب - از فرودگاه رابغ که ۹ کیلومتر راه است.

### وضع جحفه در زمان قدیم

داستان آمدن بنی عبیل به جحفه، پس از اخراج آنان از یثرب توسط عمالیک که به آن اشاره کردیم، حاکی از قدمت جحفه است و نشان می‌دهد که تاریخ آن به پیش از ظهور اسلام برمی‌گردد.

«زبیدی» می‌گوید: «این سرزمین

عبید را چنین نوشته‌اند: عبید بن صداد (شداد) بن عاد بن عوض بن سام. [ابن خلدون] در [کتاب] «العبر» می‌گوید: محل سکونت آنان در جحفه، بین مکه و مدینه بود که میقات احرام برای اهل مصر است، اما بعدها بر اثر سیل به هلاکت رسیدند. گفته می‌شود که جحفه بین مکه و مدینه قرار دارد و به این جهت جحفه نامیده شده که سیل آن را ویران و خراب کرد (از ماده جحف).

مسعودی می‌گوید: بنیانگذار شهر مدینه یکی از افراد این قوم به نام یثرب بن باسه بن مهلهل بن ارم بن عبیل بود. اما به عقیده سهیلی، بنیانگذار یثرب، ارم پسر عبیل بوده است.

در هر حال به نظر می‌رسد که جحفه پس از آن سیل، آباد شده و تا قرن پنجم هجری همچنان آباد بوده است؛ زیرا جغرافی‌دانی مانند بکری (م ۴۸۷ هـ.) از آن یاد کرده، چنین می‌نویسد: «جحفه آبادی گسترده و پهناوری است که [مسجد آن] دارای یک منبر است» آنگاه می‌افزاید: در ابتدای آن - از سمت مدینه - در محله‌ای بنام «عزور» مسجد النبی - ص -، و در آخرش - در سمت مکه - در کنار دو ستون، مسجد الائمه قرار دارد.<sup>۱۸</sup>

گویا این آبادی در قرن ششم خراب شده است. این معنا از سخنان «یاقوت» (م ۶۲۶ هـ.) استفاده می‌شود. وی می‌گوید: «جحفه - با ضم جیم و سکون هاء - آبادی بزرگی بوده که [مسجدش] دارای منبری بوده... اما اکنون ویران شده است»<sup>۱۹</sup> به نظر می‌رسد جحفه تا زمان ما همچنان ویران بوده است و شاید به علت آن، تحول و دگرگونی مربوط به آبادیهای کناره جاده‌های عمومی است؛ زیرا وقتی که مسیر جاده عوض می‌شود، این گونه آبادیها که از طریق مسافران و رهگذران درآمد دارند، متروک واقع شده، عوائد خود را از دست می‌دهند و رو به ویرانی می‌روند. چنانکه از گزارش جهانگردان مصری و مغربی استفاده می‌شود راه مدینه منوره به سوی مکه که از مسیر بدر و جحفه عبور می‌کرده بعدها تغییر مسیر داده از بدر، مستوره و رابغ عبور می‌کرده است.<sup>۲۰</sup> این بود آنچه از تاریخ قدیم این میقات؛ به ویژه در دوره اسلامی به دست آوردیم. از مجموع آنچه گفتیم چنین نتیجه می‌گیریم:

۱ - جحفه تا قرن پنجم هجری آبادی بزرگی بوده که [مسجدش] دارای منبری بوده است.

۲ - نخستین محله آن - از سمت

روشنی وجود ندارد که مسافر بتواند به وسیله آن به جحفه برسد از ترس این که راه را گم کنیم توقف کردیم تا بلکه کسی از راه برسد و بتوانیم همراه او حرکت کنیم. در این هنگام یک دستگاه اتومبیل وانت داتسون از راه رسید، آن را متوقف کردم و راه را از راننده آن پرسیدم. او گفت: همراه من بیایید، راه من از میقات است.

وقتی که مناره مسجد از دور نمایان شد، راننده راه خود را گرفت و به سرعت رفت و ما را به حال خود گذاشت تا به علامت مناره پیش برویم. وقتی که به در مسجد رسیدیم پیاده شده، داخل آن گشتیم، دیدیم کف مسجد را خاک و ماسه پوشانده است چند مخزن آب در کنار مسجد وجود داشت تا برای غسل در حمامهای مجاور، از آنها استفاده شود.

در داخل مسجد ناگهان چشمان به یک بدوی افتاد که در گوشه‌ای از مسجد دست خود را زیر سرش نهاده به خواب عمیق رفته بود. فکر کردیم خادم مسجد است، بیدارش کردیم و پرسشهایی درباره موقعیت مسجد از وی کردیم. گفت: این مسجد به تازگی توسط دولت عربستان چسبیده به پایه‌های مسجد قدیمی ساخته شده است، سپس بقایای مسجد قدیمی را

مدینه منوره - عزور نامیده می‌شده و در آن مسجدی بنام مسجد النبی قرار داشته که مسجد جامع بوده و منبری جهت ایراد خطبه در نماز جمعه داشته است.

۳ - در انتهای آن - در سمت مکه - مسجد دیگری بنام مسجد الاثمه وجود داشته است.

۴ - همچنین در انتهای آن - باز در سمت مکه - دو ستون وجود داشته که نشانه مرز میقات یا انتهای آن بوده است.

### وضع کنونی جحفه

تا کنون سه بار برای مطالعه و بررسی و مشاهده جحفه از نزدیک، در سه تاریخ یاد شده در زیر به این منطقه سفر کرده‌ام:

- ۱ - سفر نخست، در اوائل سال ۱۴۰۲ هـ.
- ۲ - سفر دوم، در تاریخ ۱۴۰۲/۵/۷ هـ. = ۱۹۸۲/۳/۲ م.
- ۳ - سفر سوم، در تاریخ ۱۴۰۹/۶/۱۸ هـ. = ۱۹۸۹/۱/۲۵ م.

در سفر نخست، همراه پسر «ایاد» از جده با یک اتومبیل شورلت رفتم. وقتی که به فرودگاه رابع رسیدیم، در سمت راست جاده پیاده شدم و دیدم زمین، شن زار و سنگلاخ و ناهموار است و هیچ علامت



العبدی، جوانی از جده بنام عابد العالسی، دو پسر معاد و فؤاد و دو پسر عمه‌شان، سید حسن و سید حسین الخلیفه رفتیم. این بار دیدیم جاده را از فرودگاه رابغ تا میقات، هموار و آسفالت کرده‌اند. این کار به درخواست کشور ایران صورت گرفته است. همچنین دیدیم مسجد جدید و بزرگی به جای مسجد قبلی بنا گردیده و در کنار آن توالتها و دوشهای متعدد مردانه و زنانه برای غسل ساخته شده است. این تأسیسات را دولت عربستان پس از آسفالت کردن جاده جحفه، ایجاد کرده است. علاوه بر این مسجد، در آبادی جحفه قدیم، در کنار قصر علیا - که بادیه نشینان منطقه به همین نام از آن یاد می‌کنند و من علت این نامگذاری را نیافتم - مسجد دیگری بدون سقف وجود دارد که گفته می‌شود آن را یکی از افراد قبیله حرب که در وادی فرع سکونت دارند، ساخته است.

امروز در سرزمین جحفه قبائلی از زبید زندگی می‌کنند که تیره‌های زناقه، روایضه و عصلان از جمله آنها است. البته افرادی از قبیله عوف نیز با آنها مختلط شده‌اند.<sup>۲۱</sup> از مجموع آنچه گذشت می‌توانیم نتیجه بگیریم که:

۱ - مسجد میقات جحفه در زمینی

که همان مسجد الائمه است، به اتفاق، و نیز در کنار آن یک حلقه چاه متروک را نشانمان داد. آنگاه به اتفاق، به پشت بام مسجد رفتیم و در فاصله ششصد متری شرق مسجد، چاه آب جدیدی دیدیم که چوپانان و بادیه نشینان منطقه از آن آب می‌کشیدند. در این هنگام خادم به سمت آبادی جحفه اشاره کرد که «قصر علیا» در آن دیده می‌شد. چون در مسیر ما به سمت آبادی، در اثر سیل، توده‌های ماسه انباشته شده بود و ممکن بود اتومبیل در آنها گیر کند - و ما وسیله بوکسل کردن نداشتیم - نتوانستیم تا خود آبادی برویم. از این رو از خادم تشکر کردیم و به جده برگشتیم.

در سفر دوم با یک جیب تویوتای عاریه‌ای، همراه فرزندم عماد و دایی او مرحوم سید یاسین بطاط و فرزندش سید فاضل رفتیم. این بار تا قصر علیا نیز رفتیم. به نظر می‌رسد این قصر از آثار دوره عباسی است. در کنار قصر آثار یک بازار قدیمی و یک راه سنگفرش به چشم می‌خورد که حوادث روزگار آن را از بین برده است. فاصله بین مسجد کنونی و آثار قصر، چهار کیلومتر یا اندکی بیشتر است.

در سفر سوم نیز با یک جیب تویوتای عاریه‌ای، همراه خطیب شیخ صالح

۱ - سیره عملی قطعی مسلمانان، که از عصر پیامبر تا کنون ادامه داشته، بر این است که از این میقات محرم می‌شوند.

۲ - فقه‌های اسلام در این مورد اتفاق آرا و توافق دارند.

۳ - روایات معتبر که تعدادش زیاد

است و ما نمونه‌هایی از آنها را نقل می‌کنیم:

الف - روایت صحیح معاویه بن عمار

از امام صادق - ع - که حضرت فرمود: شرط

صحت حج و عمره این است که از

میقاتهایی که پیامبر اسلام - ص - تعیین

فرموده محرم شوی و بدون احرام، از میقات

عبور نکن. پیامبر، برای اهل عراق - که آن

روز عراق امروزی وجود نداشت - بطن

عقیق، برای اهل یمن یلملم، برای مردم

طائف قرن المنازل، برای مغربیان جحفه که

همان مهیعه است، و برای مردم مدینه

ذوالحلیفه را میقات قرار داد. و هر کس که

منزلش بین یکی از این میقاتها و بین مکه

است، میقات او منزلش می‌باشد.<sup>۲۲</sup>

ب - روایت صحیح - یا حسن -

حلبی. وی می‌گوید: امام صادق - ع - فرمود:

احرام باید از یکی از میقاتهای پنجگانه‌ای

که پیامبر - ص - تعیین کرده، صورت بگیرد

و کسی که حج یا عمره انجام می‌دهد نباید

پیش از میقات یا بعد از آن محرم شود.

متصل به بقایای مسجد قدیمی، اندکی پیش از انتهای آبادی قدیمی - از سمت مکه - ساخته شده است.

۲ - در انتهای آبادی قدیمی، (در

سمت مدینه)؛ یعنی در محله عزور، آثار و

بقایای قصر علیا قرار دارد.

۳ - در کنار قصر علیا مسجد

بی‌سقف کوچکی قرار دارد که به تازگی

ساخته شده است.

۴ - فاصله بین این دو مسجد،

پوشیده از ماسه و سنگ است و جز با

اتومبیل جیب و امثال آن نمی‌توان در آن

تردد کرد.

۵ - راه مسجد میقات تا جاده

عمومی مدینه - مکه، بطول نه کیلومتر،

آسفالت شده است.

۶ - از مشاهده آثار و بقایای آبادی

قدیم بر ما ثابت شد که هم دو مسجد جدید

یاد شده و هم فاصله بین آن دو، جزو میقات

است؛ زیرا میقات، آبادی موجود در زمان

صدور احادیث معرفی کننده آن به عنوان

میقات بوده که اینها همه جزو آن است.

### دلایل فقهی

دلایل فقهی بر میقات بودن آبادی

جحفه، به صورت خلاصه بدین قرار است:



پیامبر برای اهل مدینه ذوالحلیفه را میقات قرار داده است که همان مسجد شجره است. حاج در این مسجد نماز می‌خواند و حج را آغاز می‌کند. همچنین پیامبر برای اهل شام جحفه، برای مردم نجد عقیق، برای حجاج طائف قرن المنازل و برای یمنیان یلملم را میقات قرار داده است. هیچ کس نباید میقات پیامبر را نادیده بگیرد.<sup>۲۳</sup>

ج - روایت صحیح ابی ایوب خزار. وی می‌گوید: به امام صادق - ع - عرض کردم: بفرمایید که آیا عقیق را پیامبر میقات قرار داده یا این کار، کار مردم است؟ حضرت فرمود: رسول خدا ذوالحلیفه را برای مردم مدینه، جحفه را - که نزد ما مهیعه نام دارد -

برای مردم مغرب، یلملم را برای مردم یمن، قرن المنازل را برای مردم طائف و عقیق را برای مردم نجد و برای همه کسانی که می‌خواهند از آن سرزمین حج انجام دهند، میقات قرار داده است.<sup>۲۴</sup>

د - روایت صحیح علی بن رثاب. وی می‌گوید: در مورد میقاتهایی که پیامبر اسلام - ص - معین نموده از امام صادق - ع - پرسیدم، فرمود: رسول خدا برای اهل مدینه ذوالحلیفه را - که همان شجره است - برای شامیان جحفه را، برای یمنیان قرن المنازل را و برای نجدیان عقیق را میقات قرار

داد.<sup>۲۵</sup>

ه - ابن عباس روایت می‌کند که پیامبر اسلام - ص - میقات قرار داد برای اهل مدینه، ذوالحلیفه را، برای اهل شام جحفه را، برای اهل نجد قرن المنازل را و برای اهل یمن یلملم را. و فرمود: این چند نقطه برای مردم این چند منطقه و برای همه کسانی که از آن جاها عازم حج یا عمره هستند، میقات است و هر کس که در آن سوی این میقاتها و در فاصله نزدیک به مکه باشد، از هر جا که خواست محرم می‌شود، حتی اهل مکه از مکه محرم می‌شوند.<sup>۲۶</sup>

### فتاوی‌ای فقه‌های امامیه

فقه‌های ما امامیه بر اساس این روایات فتوا داده جحفه را میقات اهل شام معرفی کرده‌اند؛ چنانکه در «فقه الرضا»<sup>۲۷</sup> و «المقنع»<sup>۲۸</sup> آمده است: «میقات اهل شام مهیعه است که همان جحفه می‌باشد».

در «هدایه»<sup>۲۹</sup> و «المقنعه»<sup>۳۰</sup> چنین آمده است: «میقات اهل شام جحفه است». همچنین در «النهایه»<sup>۳۱</sup>، «الجمل والعقود»<sup>۳۲</sup>، «السرائر»<sup>۳۳</sup>، «المراسم»<sup>۳۴</sup> و «الجامع»<sup>۳۵</sup> آمده است: «میقات اهل شام جحفه است».

جحفه به تأخیر بیندازند؛ زیرا میقات آنها جحفه است، اما این کار برای دیگران جایز نیست».<sup>۳۸</sup>

گویا فقهای مالکیه در این فتوا نظر به ظاهر امر در برخی از روایات تعیین میقات دارند اما به این قرینه توجه نکرده‌اند که در عصر تشریح (که این روایات صادر شده است) راه اهل شام از جحفه بوده است [نه این که حکم مختص آنها باشد]

از جمله این روایات، روایتی است که «مالک» در «الموطأ» از طریق عبد الله بن عمر نقل کرده است که پیامبر اسلام - ص - فرمود: «اهل مدینه از ذوالحلیفه محرم می‌شوند و اهل شام از جحفه»...

همچنین از عبد الله بن عمر نقل شده است که پیامبر اسلام - ص - دستور داد اهل مدینه از ذوالحلیفه محرم شوند و اهل شام از جحفه...<sup>۳۹</sup>

### آیا جحفه میقات اهل مدینه است؟

بعضی از فقهای ما امامیه نیز به همین معنا فتوا داده‌اند - با این تفاوت که جحفه را مختص اهل شام ندانسته‌اند - و در این فتوا به ظاهر بعضی از روایاتی که در این باره نقل شده، استناد کرده‌اند.

مظفر در کتاب حج از شرح قواعد

در «الاصباح»<sup>۳۶</sup> و «الغنیه»<sup>۳۷</sup> نیز چنین ذکر شده است: «میقات کسی که از طریق شام حج می‌گزارد جحفه است».

در «القواعد» چنین فتوا داده است: «برای اهل مدینه، مسجد شجره میقات اختیاری، و جحفه میقات اضطراری است. جحفه همان مهیعه است که میقات اختیاری اهل شام است»

فتوای یاد شده در قواعد، که در آن جحفه برای کسی که در ذوالحلیفه محرم نشده میقات اضطراری و برای کسی که قبلاً از میقاتی عبور نکرده میقات اختیاری معرفی شده، در میان عموم فقهای اسلام فتوای مشهور است. در میان مذاهب اهل سنت فقط فرقه مالکیه با این فتوا مخالفت کرده‌اند. به فتوای فقهای مالکیه، جحفه فقط برای اهل شام که از طریق مدینه عازم حج هستند، میقات اختیاری است بنابراین حاج شامی که از طریق مدینه عازم مکه است مخیر است که از ذوالحلیفه محرم شود یا جحفه.

«ابن حزم» در کتاب «المحلی» می‌نویسد: «... در مورد بعضی از آنچه گفتیم، اختلاف نظر هست... از آن جمله فقهای مالکیه گفته‌اند: فقط اهل شام که از مدینه عبور می‌کنند، می‌توانند احرام را تا



که چون آن شخص اهل مدینه بوده لازم بوده از شجره محرم شود. از این رو امام فرموده است اشکالی ندارد.

اما در پاسخ این تفسیر گفته شده است که بر فرض قبول چنین احتمالی، باز ضرری بر عمومی که از روایت استفاده می‌شود، نمی‌رساند، زیرا امام پرسیده است که آیا از مدینه حرکت کرده یا از طریق شام؟ پس شامل هر دو حال می‌شود و عمومیت دارد.

در صحیح حلبی نیز آمده است: «اگر از شجره گذشت در کجا محرم شود؟ فرمود: از جحفه، و بدون احرام، از جحفه نگذرد» در این روایت امام اجازه داده است که از جحفه محرم شود و آن را مقید به حالت اضطرار یا دشواری بازگشت به شجره نکرده است. بلکه ظاهر روایت نشان می‌دهد که جحفه میقات اختیاری است زیرا در آخر آن فرموده است: «بدون احرام از جحفه نگذرد».

در روایت صحیح ابو بصیر آمده است: به امام صادق - ع - عرض کردم: اهل مکه چند چیز را بر شما خرده می‌گیرند. فرمود: چه می‌گویند؟ عرض کردم: می‌گویند از جحفه محرم شده در حالی که پیامبر از شجره محرم شد. فرمود: جحفه یکی از دو میقات است، من چون مریض بودم،

می‌نویسد<sup>۴۰</sup>: «همه اینها در مورد میقات اختیاری اهل مدینه است اما میقات اضطراری آنها جحفه - یعنی همان مهیعه - است. در این که در صورت اضطرار، احرام از جحفه برای اهل مدینه جایز است هیچ بحثی نیست و حتی بعضی گفته‌اند که به صورت اختیاری نیز جایز است؛ زیرا در روایت صحیح علی بن جعفر آمده است: «اهل مدینه از ذوالحلیفه و جحفه محرم می‌شوند». ظاهر این روایت این است که هر دو میقات مساوی است و حاجیان در انتخاب هر یک مختیراند. و این ادعا که «این روایت مجمل است؛ چون این احتمال نیز هست که مقصود جمع؛ یعنی لزوم احرام از هر دو میقات باشد» باطل است؛ زیرا مسلم است که جمع بین دو میقات لازم نیست. پس حتماً مقصود، تساوی آنها است.

در صحیح معاویه بن عمار آمده است که: درباره شخصی از اهل مدینه سؤال شد که از جحفه محرم شده بود، فرمود: «اشکالی ندارد»

در تفسیر این روایت گفته‌اند که ممکن است آن شخص از طریق اهل شام عازم حج بوده و به همین جهت در جحفه محرم شده است. اما سؤال کننده خیال کرده

نزدیکترین آن دو را برگزیدم.

ظاهر این روایت این است که این دو میقات در حال اختیار یکسان هستند و اگر انسان از هر کدام که به مکه نزدیکتر است محرم شود، کفایت می‌کند، به خصوص اگر بیمار باشد.

در خبر - یا صحیح - معاویه آمده است: به امام صادق - ع - عرض کردم: مادرم همراه من است و بیمار است. فرمود: به او بگو: از آخرین میقات محرم شود؛ زیرا رسول خدا برای اهل مدینه ذوالحلیفه و برای اهل مغرب جحفه را میقات قرار داد. وی می‌گوید: مادرم از جحفه محرم شد.

این که امام جواز احرام آن زن از آخرین میقات را مستند به اقدام پیامبر در تعیین چند میقات نمود، ظاهرش این است که از هر کدام محرم شود کفایت می‌کند و بیماری او تأثیری در این حکم ندارد.

با وجود این چند روایت، گویا فقهای ما - جز تعداد نادری از آنها - به این دلیل جحفه را میقات اضطراری اهل مدینه دانسته‌اند که ظاهر روایات مستفیضه این است که هر کدام از مردم مناطق مختلف الزاماً باید از میقات خویش که پیامبر تعیین فرموده محرم شوند. بنابراین باید گفت چند روایت اخیر که نقل شد، اختصاص به حال

اضطرار دارد. چنانکه روایت حضرمی از امام صادق - ع - این معنا را تأیید می‌کند. وی می‌گوید: امام صادق - ع - بیمار بود و از جحفه محرم شد و فرمود: «پیامبر اجازه داده است که هر کس مریض یا ناتوان باشد از جحفه محرم شود.» این روایت به روشنی نشان می‌دهد که احرام از جحفه - برای اهل مدینه - فقط در صورت اضطرار جایز است نه در هر حال!

### فتاوی فقهای اهل سنت

فقهای برادران اهل سنت نیز به استناد دلایل گذشته و امثال آنها در مورد جحفه، همان گونه فتوا داده‌اند که از امامیه نقل کردیم.

در متن «خرقی»<sup>۴۱</sup> آمده است: اهل شام و مصر و مغرب از جحفه محرم می‌شوند. در «الروض المربع»<sup>۴۲</sup> آمده است: میقات اهل شام و مصر و مغرب جحفه است. در کتاب «الفقه علی المذاهب الاربعه»<sup>۴۳</sup> می‌گوید: پس اهل مصر و شام و مغرب و کسانی که در آن سوی این مناطق هستند؛ مانند اهل اندلس و روم و تکرور، همه اینها میقاتشان جحفه است. سید سابق در «فقه السنه»<sup>۴۴</sup> چنین می‌نویسد: «برای اهل شام، جحفه میقات معین شده است...

نمی‌رود. روزی سعید بن جبیر شخصی را دید که می‌خواست از «ذات عرق» محرم شود، دست او را گرفت و از میان خانه‌ها و آبادی بیرون برد و پس از عبور از وادی او را به قبرستان برد و گفت: ذات عرق این جا است»<sup>۴۶</sup>

همچنین به فتوای مؤلف «التحقیق والایضاح» که می‌گوید: «هر کس از رابع محرم شد از میقات محرم شده است» این اشکال وارد است که احرام قبل از میقات، باعث نمی‌شود محلی که از آنجا احرام بسته شده میقات گردد، چه به میقات نزدیک باشد و چه دور. دلیل این معنا این است که میقات بودن پنج نقطه یاد شده، حکم توقیفی است که با نص شرعی ثابت شده است و توسعه دادن حکم آنها به نقاط دیگر، اجتهاد در مقابل نص است که از نظر عموم مسلمانان جایز نیست.

### تغییر بعضی از راههای میقاتها

در مناسک جدید فقهای معاصر، عباراتی نظیر آنچه در زیر می‌آوریم ذکر شده است. که در زمان ما خالی از ابهام و نارسایی نیست:

۱ - میقات سوم، جحفه است. جحفه میقات اهل شام و مصر است و همچنین

و پس از آن که نشانه‌های جحفه از بین رفته به جای آن رابع میقات اهل مصر و شام و همه کسانی که از آنجا عبور می‌کنند، گشته است». در «التحقیق والایضاح»<sup>۴۵</sup> آمده است: میقات دوم، جحفه است. جحفه میقات اهل شام است و آن، قریه مخروبه‌ای نزدیک رابع است. امروز مردم از رابع محرم می‌شوند و هر کس از رابع محرم شود از میقات محرم شده است زیرا رابع کمی جلوتر از جحفه است.

در مورد آنچه در فقه السنه آمده: که «رابع میقات اهل مصر و شام است...» باید گفت: از بین رفتن نشانه‌های میقات هیچ وقت میقات بودن آن را از بین نمی‌برد و احرام پیش از آن، احرام قبل از میقات محسوب می‌شود که تابع احکام قبل از میقات است و بر حسب مورد یا حرام است - اگر نذر نکرده باشد - یا جایز است با کراهت و یا بدون کراهت. در این مورد بهتر است به جای میقات «مَحْرَم» تعبیر شود.

«ابن قدامه» در «المعنی» می‌گوید: «اگر میقات، روستایی بود که به جای دیگر منتقل شده، جای احرام همان محل اولی است اگر چه دومی نام آن را به خود گرفته باشد؛ زیرا حکم به محل اولی تعلق گرفته است و با خراب شدن آن، حکم از بین

و مصر و مغرب است» آنگاه جمله‌ای که حکم را به مردم سایر مناطق توسعه می‌دهد، به آن افزوده شده است: «و همچنین میقات همه کسانی است که اهل جاهای دیگر هستند...»

به کار بردن عین الفاظ و عبارات احادیث و روایات، در زمان قدیم جزء شیوه تألیف کتب فقهی و به ویژه کتب فتاوا بود. به نظر نگارنده این روش در مورد راهها و امثال آن، در آن زمان توجیه پذیر بود؛ زیرا راهها و گذرگاههای ارتباطی در زمان تألیفات فقهی نخستین، به همان کیفیت عصر تشریح و زمان صدور احادیث بود بنابراین زبان احادیث که در کتب فقهی و فتوایی به کار گرفته می‌شد، گویا و روشن بود اما امروز که راهها تغییر یافته و برای یک مقصد، راههای مختلفی به وجود آمده است، باید در تقریر فتوا این نکته رعایت شود؛ زیرا مخاطب آن مردم عوام هستند.

امروز مردم شام و مصر و مغرب و امثال اینها گاهی با هواپیما سفر حج انجام می‌دهند و در فرودگاه مدینه یا جده پیاده شده و از آنجا عازم مکه می‌شوند. و گاهی با کشتی وارد بندر جده می‌شوند. گاهی نیز از راه زمینی عازم مدینه منوره، یا از طریق جاده ساحلی کنار دریای سرخ - پس از عبور

میقات همه کسانی است که اهل جای دیگر هستند اما از طریق آنها عازم مکه هستند. البته این حکم درباره گروه دوم در صورتی صادق است که از میقات دیگری عبور نکرده باشند یا عبور کنند اما بازگشت به آن و احرام از آن جا مقدور نباشد.<sup>۴۷</sup>

۲ - جحفه است که میقات اهل شام و مصر و مغرب و میقات همه کسانی است که اهل این سه منطقه نیستند اما از طریق جحفه عازم مکه هستند. این در صورتی است که در میقات قبلی محرم نشده باشند.<sup>۴۸</sup>

۳ - سوومی جحفه است. جحفه میقات اهل شام و مصر است و همچنین میقات همه کسانی است که اهل سرزمینها و مناطق و محللهای دیگر هستند اما از طریق آنها عازم مکه‌اند. در مورد گروه دوم، این حکم وقتی جاری است که از میقات دیگر نگذشته باشند یا بدون احرام گذشته باشند و برای آنها مقدور نباشد که به آنجا برگردند و محرم شوند، در این صورت واجب است از جحفه محرم شوند.<sup>۴۹</sup>

ایرادی که به این عبارات و امثال اینها وارد است این است که: عین عبارات احادیث و روایات در آنها به کار رفته است آنجا که گفته شده: «جحفه میقات اهل شام





۲ - کسی که از طریق دریا و بندر  
ینبع عازم مکه است.

۳ - مردم شمال جزیره العرب که در  
شهرها و روستاها و بادیه‌های ساحل دریای  
سرخ سکونت دارند و عازم مکه هستند.  
همچنین کسانی از طریق اردن به راه  
ساحلی یاد شده وارد شده از آنجا عازم مکه  
می‌شوند؛ مانند مردم عراق، سوریه، لبنان،  
فلسطین، ترکیه، ایران و ...

۴ - کسانی که در مناطق و بادیه‌های  
حجاز، بین ذوالحلیفه و جحفه سکونت  
دارند؛ مانند مردم مسیحید، بدر، مستوره،  
ابواء، رابع، وادی فرع و امثال اینها.  
اینک راههای زمینی که به جحفه  
منتهی می‌شود و یا از آن عبور می‌کند:

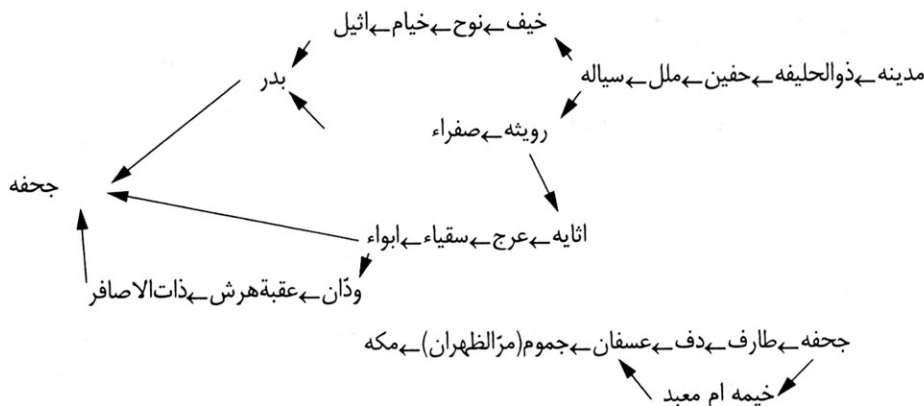
از ینبع - عازم مکه می‌گردند. طبعاً در اثر  
اختلاف این راهها، میقات آنها نیز متفاوت  
خواهد بود. همچنین اختلاف آرای فقهی در  
مورد احرام از غیر میقاتهای پنجگانه، در  
این مورد مؤثر خواهد بود. بنابراین لازم  
است در مناسک جدید واژه‌ها و قالب لفظی  
احکام و فتاوا چنان انتخاب شود که با  
واقعتهای خارجی امروزی منطبق باشد.

### راههای منتهی به جحفه

جحفه میقات اختیاری گروهها و  
افراد یاد شده در زیر است:

۱ - کسی که از طریق هوا و فرودگاه  
جده، یا با کشتی و از طریق بندر جده عازم  
مکه است - بر اساس فتوای کسی که احرام  
با نذر از جده را جایز نمی‌داند ..

### الف - راه قدیمی به جحفه (از مدینه به مکه)



**ب - راههای جدید به سوی جحفه**

۱ - راه زمینی از مدینه به مکه:

مدینه منوره ← مسیجید ← بدر ← مستوره ← رابغ (جحفه) ← قضیمه

 خلیص ← عسفان ← جموم ← مکه مکرمه  
 (دوراهی) → ثول ← ذهبان ← جدّه

۲ - راه زمینی از وادی فرع (ابوضباع):

ابوضباع ← عقبه هرش ← رابغ (جحفه)

۳ - راه زمینی از بدر:

بدر ← مستوره ← رابغ (جحفه)

۴ - راه زمینی از اردن به حرمین شریفین:

 بئر هرماس ← تبوک ← قلبیه ← تیماء ← خیبر ← مدینه منوره  
 الف -

 بدر ← مسیجید ← مدینه منوره  
 بدع ← ضبا ← وجه ← أملج ← ینبع ← دوراهی  
 مستوره ← رابغ (جحفه) ←

 خلیص ← عسفان ← جموم ← مکه  
 رابغ (جحفه) ← قضیمه ← دوراهی  
 ثول ← ذهبان ← جدّه

 تبوک ← قلبیه ← تیماء ← خیبر ← مدینه منوره  
 ب - معان ← حاله عمار ← بئر هرماس

شرف ← بدع ← ضبا ← وجه ← أملج ← ینبع ← دوراهی ←

 بدر ← مسیجید ← مدینه  
 دوراهی

 خلیص ← عسفان ← جموم ← مکه  
 (دوراهی) ← قضیمه ← رابغ (جحفه) ← مستوره  
 ثول ← ذهبان ← جدّه

### ● پی نوشتها:

- ۱- شرف الدین الحسین بن احمد السیاعی، الروض النضیر شرح مجموع الفقه الکبیر، ج ۱، ص ۱۴۲
- ۲- العین، واژه «هیج».
- ۳- ابن سیده گفته است: سیل جحاف - با ضم جیم -: سیلی است که همه چیز را با خود می برد. نک: لسان العرب، واژه «جحف».
- ۴- نک: لسان العرب و تاج العروس، واژه «جحف».
- ۵- در متن مقاله، اشعاری از ابو بکر و بلال در مورد بیماریشان نقل شده که چون خارج از موضوع بحث بود، حذف شد - مترجم.
- ۶- ابو عبید البکری، معجم ما استعجم، ج ۱، ص ۳۷۰ - ۳۶۷
- ۷- نک: واژه «جحف».
- ۸- نک: واژه «جحف».
- ۹- شرف الدین الحسین احمد السیاعی، الروض النضیر، شرح مجموع الفقه الکبیر، ج ۳، ص ۱۴۲؛ منصور بن یونس البهوتی الروض المربع بشرح زاد المستقنع، ج ۱، ص ۱۳۵؛ محمد بن مکرم بن منظور، لسان العرب، واژه «جحفه» به نقل از ابو عبید بکری (مؤلف کتاب معجم ما استعجم من اسماء البلاد والمواضع).
- ۱۰- یاقوت حموی، معجم البلدان، ج ۲، ص ۱۱
- ۱۱- عاتق بن غیث البلادی، معجم معالم الحجاز، ج ۲، ص ۱۲۲
- ۱۲- یاقوت حموی، معجم البلدان، ج ۲، ص ۱۱۱
- ۱۳- دوراهی به سمت جدّه و مدینه.
- ۱۴- فرودگاه رایغ که از طریق مکه، پیش از شهر رایغ قرار دارد و طبعاً اگر از سمت مدینه حساب کنیم بعد از رایغ واقع شده است.
- ۱۵- تاج العروس، واژه «جحف».
- ۱۶- نهایه الأرب، فی معرفة انساب العرب، ص ۱۴۲
- ۱۷- مقصود از عرب عاربه، عرب اصیل است. (در برابر عرب متعربه) و مقصود از عرب باندۀ اقوام منقرض شده از عرب است که نسل آنها باقی نمانده است - مترجم.
- ۱۸- معجم ما استعجم، ج ۱، ص ۳۶۷
- ۱۹- معجم البلدان، ج ۲، ص ۱۱۱
- ۲۰- علی طریق الهجرة، عاتق بن غیث البلادی، ص ۶۰
- ۲۱- علی طریق الهجرة، ص ۵۷
- ۲۲- وسائل الشیعه، باب ۱ از ابواب میقات.
- ۲۳- همان مأخذ، باب ۱ و ۱۱ از ابواب میقات.
- ۲۴- همان مأخذ، باب ۱ از ابواب میقات.
- ۲۵- همان مأخذ، باب ۱ از ابواب میقات.
- ۲۶- ابن حزم، المحلی، ج ۷، ص ۷۱، به نقل از صحیح مسلم ج ۱، ص ۳۲۸
- ۲۷- الینایع الفقهیه، ص ۴
- ۲۸- همان، ص ۲۰

- ۲۹- همان، ص ۴۸  
 ۳۰- همان، ص ۶۹  
 ۳۱- همان، ص ۱۷۴  
 ۳۲- همان، ص ۲۲۷  
 ۳۳- همان، ص ۴۶۷  
 ۳۴- همان، ص ۲۳۹  
 ۳۵- همان، ص ۶۹۷  
 ۳۶- همان، ص ۲۵۶  
 ۳۷- همان، ص ۴۱۷  
 ۳۸- ج ۷، ص ۷۲  
 ۳۹- ج ۱، ص ۳۰۶-۳۰۷  
 ۴۰- صص ۱۱۷ و ۱۱۸  
 ۴۱- ابن قدامه، المغنی، ج ۳، ص ۱۱۰، ابو القاسم عمر بن حسین بن عبد الله بن احمد الخرقی کتابی در فقه استدلالی بنام «المختصر» دارد که ابن قدامه، کتاب «المغنی» را در شرح آن نوشته است - مترجم.  
 ۴۲- منصور بن یونس البهوتی، الروض المربع بشرح زاد المستقنع، ج ۱، ص ۱۳۵  
 ۴۳- عبد الرحمن الجزیری، الفقه علی المذاهب الاربعه، ج ۱، ص ۶۳۹  
 ۴۴- ج ۱، ص ۶۵۲  
 ۴۵- الشیخ عبد العزیز بن عبد الله بن باز، التحقيق والایضاح لكثیر من مسائل الحج والعمرة والزیارة علی ضوء الكتاب و السنه، ص ۱۸  
 ۴۶- ج ۳، ص ۱۱۱  
 ۴۷- [آیت الله] سید محسن حکیم، مناهج السالکین، ط ۶، ص ۳۰  
 ۴۸- [آیت الله] خوئی، مناسک الحج، ط ۹، ص ۶۶  
 ۴۹- [آیت الله] گلپایگانی، مناسک الحج، ص ۴۱